

متن پرسش

با سلام به استاد عزیز گرامی: بنده سخنرانی حضرتعالی راجع به شرح خطبه شعبانیه و شرح دعای سحر هنگامی که سر کار هستم در هنگامی که در مدرسه کلاس ها را تمییز می کنم یا در حین که می خواهم استراحت کنم در ماه مبارک رمضان بیشتر سخنرانی شما را گوش دادم در هر فرصتی سخنرانی صوتی شما را گوش می دهم یک چند روزی هست تصمیم دارم غذا را کم بخورم و حرف هم زیاد نزنم حرفهای بی خود بگذارم کنار ولی وقتی غذا را کم کردم یک کمی میلم به غذا زیاد می شود نمی خورم ولی ضعف دارم چون تو دستورات شما فرمودید باید در ماه مبارک رمضان غذا کم بخوریم و معده زیاد پر نشود و بعد از ماه مبارک هم می خواهم معده کمتر غذا بش بدهیم چون روح قوی شود آیا این کارها که انجام بدهم برای سیر سلوک و سیر به سوی حق خوب هست؟ کم حرف زدن، کم دیدن اشیا و وسایل دنیا چون فرمودید خداوند به پیامبر علیه سلام گفت چشمش را به دنیا نکشد من هم سعی کردم چشمم را کنترل کنم زیاد اطراف را نگاه نکنم برای حضور قلب در نماز خیلی خوب هست. آیا درست هست در نماز تمام تمرکز روی معنای هست و یک وقتی هم بی اختیار در نماز گریه می کنم حالا می خواهم به طور دایم این جور شوم چه کنم و چند شب پیش در حینی که کتابی در مورد تفکر از علامه طباطبایی بود می خواندم در حین خواندن که هی چرت می زدم و در حین خواب بیداری شنیدم به اسم مرا صدا زد در حین جواب با سر تکان دادم بعد هر چی فکر می کردم که کی بود شوکه شدم نمی دانم یکبار یک کتاب می خواندم از عارف بزرگ مرحوم انصاری باز بین خواب بیداری یک صدای شنیدم مثل شیپور و یک صدای گفت ۴۸ نمی دانم حالا آیا این صدا را شنیدم آیا خیال بوده ولی با دو گوشم شنیدم ولی باز اعتنا نکردم. نمی دانم برای شرح دعای سحر به غیر از کتاب حضرت امام چه کتاب دیگری را بخوانیم و از بحث شرح دعای سحر خیلی لذت بخش هست و خیلی عاشق این دعای سحر هستم ولی استاد چه کارکنم که این دعای عظیم شأن با تمام وجودمان بر قلب وارد شود و با قلبم بخوانیم و یک سوالی داشتم استاد چندین سال قبل در جلسه می رفتم و ویرایش آن جلسه سخنرانی می کردم بحث شرح خطبه شعبانیه دادم و بحث کتابهای حضرت امام کتاب نفس اماره می گفتم تو مناسبهای مختلف مباحث می گفتم شرح دعای صحیفه سجادیه که قبل ماه مبارک رمضان وارد شده و مباحث حضرت عالی را ولی نمی دانم وقتی صحبت می کردم بعضی در جلسه با هم حرف می زدند و رشته کلام از دستم می رفت و خیلی ناراحت شدم هر چی می گفتم گوش نمی دادم و تصمیم گرفتم به جلسه وهیئت نروم و یکبار با صاحب جلسه بحث و دعوا شد و بعد چند سال تو مسجد من دید گفتم بروم جلسه آنها ولی دیگر راغب نیستم بروم چون به من بی احترامی کرد و به احادیث که می گفتم بی

احترامی شود چون همه با هم صحبت کردند دیگر از آن جلسه جای صحبت سخنرانی نکردم تنها فقط برای خودم مطالعه می کنم بعضی وقت ها برای عیالم سخنرانی می کنم در وقتی که فرصت باشد البته بعضی مسایل که آسان باشد و نه مسایل عرفانی را ویک مقدار کرامات علما را وغیره با تشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این که میل و رغبت خود را به معارف الهیه می یابید، را لطف خدا بدانید. خوردن باید در تعادل باشد، نه زیاد و نه آنچنان کم که امکان ادامه فعالیت را از ما بگیرد. آنچه پیش می آید از صوت هایی که فرمودید، نباید معطل آن ها باشید و به آن ها توجه کنید. کتاب «شرح اسماء دریچه های نظر به حق» که روی سایت هست، تکمیل کننده نگاه ما است به «دعای سحر». آری! اگر جلسه ای بود که آماده باشند نکاتی برایشان گفته شود، شما کوتاهی نکنید. عمده آن است که انسان در نزد خود، نسبت خود را با خدا محکم کند. مباحث شرح سوره «جاثیه» که جناب آقای موسویان دنبال می کنند نکات خوبی را به میان می آورند.

<https://eitaa.com/matalebevijeh/۱۳۷۴۸> موفق باشید